

شناخت طبایع (۳)

تألیف

دکتر سیدعلی ابوالحبیب

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۳	 مقدمه استاد
۱۷	 مقدمه مؤلف
۲۱	 علم طب
۲۱	 انواع طب
۲۱	 میزان سلامتی بدن
۲۲	 موضوع علم طب سنتی
۲۳	 ارکان یا عناصر اربعه طبیعت
۲۴	 موقعیت مکانی عناصر نسبت به یکدیگر
۲۴	 خاک
۲۴	 آب
۲۵	 هوا
۲۵	 آتش
۲۹	 مراحل معاینات و شرح حال‌گیری پزشکی در طب سنتی
۳۰	 مزاج‌ها
۳۰	 انواع مزاج از نظر بیماری
۳۱	 انواع مزاج از نظر ترکیب
۳۲	 خلط Humor
۳۲	 انواع اخلاط موجود در خون

نقش اخلاط در بدن	۲۳
علل پیدایش خلط سودا در خون	۲۸
روابط کمی اخلاط نسبت به یکدیگر	۴۰
بافت‌شناسی اخلاط	۴۷
آرتروز	۴۹
استئوپروز	۴۹
ارواح	۵۳
بررسی وضعیت pH خون در مراحل مختلف عمر	۵۶
درمان آلکالوز تنفسی با منشاء ریوی به روش طبایع	۵۸
انرژی‌های مؤثر بر حیات آدمی	۵۹
قوای کارفرما	۶۰
نیروهای طبیعی خدمتگزار	۶۴
اندام‌ها	۷۵
انواع اندام‌ها	۷۵
اندام‌های رئیسه بدن	۷۵
مزاج اندام‌ها	۷۶
مزاج مراحل مختلف عمر	۷۷
خلاصه مبحث	۷۹
ضروریات ششگانه	۸۱
سته ضروریه	۸۱
خلاصه مبحث ضروریات ششگانه	۸۳
علائم اعتدال مزاج	۸۵
نگاه مقایسه‌ای به مزاج طبع‌های مختلف با یکدیگر	۸۶
رابطه پیدایش فصل با طبایع	۹۴
میزان تغییرات جزئی اخلاط در فصول مختلف سال	۹۵
طبع مختلط	۱۰۰

۱۰۰	 طبع مختلط چیست؟
۱۱۰	 چند مثال آموزشی برای تشخیص و تفکیک انواع طبع‌ها از یکدیگر
۱۳۴	 سردی و گرمی چیست؟
۱۳۷	 راه‌های عملی تشخیص و درمان طبع مختلط
۱۴۰	 درمان به اضداد چیست؟
۱۴۱	 پیشگیری از عوارض غذاها به روش اضداد با سرکه انگبین
۱۴۳	 کنترل امراض به روش اضداد با pH خوراکی‌ها
۱۴۶	 خلاصه مبحث طبع مختلط
۱۵۷	 فصل و بیماری‌های مرتبط با آن
۱۵۹	 عوارض حمله حاد امراض عفونی مثل آبله مرغان
۱۶۰	 عوارض مزمن امراض عفونی مثل آبله مرغان
۱۶۲	 اعمال مختلف فصول سال
۱۶۲	 اعمال فصل بهار
۱۶۲	 ماه آزار
۱۶۲	 ماه نیشان
۱۶۳	 ماه ایاز
۱۶۳	 اعمال فصل تابستان
۱۶۳	 ماه حزیران
۱۶۴	 ماه تموز
۱۶۴	 ماه آب
۱۶۵	 اعمال فصل پاییز
۱۶۵	 ماه ایلول
۱۶۵	 ماه تشرین اول
۱۶۶	 ماه تشرین آخر
۱۶۶	 اعمال فصل زمستان
۱۶۶	 ماه کانون اول

ماه کانون آخر.....	۱۶۶
ماه شباط.....	۱۶۷
مُصلحات غذایی.....	۱۶۸
مصلح چیست؟.....	۱۶۸
ویژگی‌های مصلحات غذایی.....	۱۶۹
انواع مصلحات از نظر خاصیت.....	۱۶۹
انواع مصلحات از نظر طریقه مصرف.....	۱۷۱
خلاصه مبحث مصلحات غذایی.....	۱۷۳
بحران‌های طبیعی.....	۱۷۵
تعریف بحران طبیعی.....	۱۷۵
تعریف بحران طبیعی صفراوی.....	۱۷۵
علت فزونی بحران‌های طبیعی صفراوی نسبت به بقیه موارد بحران‌ها چیست؟.....	۱۷۸
ویژگی‌های بحران‌های طبیعی.....	۱۷۹
انواع بحران‌های طبیعی.....	۱۷۹
فواید آگاهی یافتن از بحران‌های طبیعی بدن.....	۱۸۰
علل بحران‌های دموی.....	۱۸۲
علل بحران‌های صفراوی.....	۱۸۳
علل بحران‌های بلغمی.....	۱۸۵
علل بحران‌های سوداوی.....	۱۸۶
برخی از علل وجود بحران‌های طبیعی صفرا یا سودا در بانوان در سنین باروری یا نزدیک به یائسگی.....	۱۸۷
تکنیک‌هایی که عوارض بحران‌های طبیعی مختلف را کاهش می‌دهند.....	۱۸۸
بحران‌های طبیعی مصنوعی.....	۱۹۰
چرخه طبیعی غلبه نسبی اخلاط در زمان‌های مختلف از شبانه‌روز.....	۱۹۱
مقایسات طبیعی.....	۱۹۲
مقایسه وزن افراد در طبایع مختلف.....	۱۹۴

مقایسه وضعیت پرخوری در افراد طبایع مختلف.....	۱۹۴
مقایسه وضعیت تعریق عمومی بدن در طبایع مختلف.....	۱۹۵
مقایسه روحیه خوش‌بینی در طبایع مختلف.....	۱۹۶
مقایسه اراده افراد در طبایع مختلف.....	۱۹۶
مقایسه وضعیت گوارشی افراد در طبایع مختلف.....	۱۹۶
مقایسه طبعی عوارض قلبی عروقی در طبایع مختلف.....	۱۹۷
مقایسه ابتلاء به بیماری‌های تیروئیدی در طبایع مختلف.....	۱۹۸
مقایسه طبعی بیماری‌های کلیوی در طبایع مختلف.....	۱۹۸
مقایسه طبعی خرابی پروستات در طبایع مختلف.....	۱۹۹
مقایسه وضعیت میل جنسی در طبایع مختلف.....	۲۰۰
مقایسه وضعیت توان جنسی در افراد طبایع مختلف.....	۲۰۰
مقایسه امراض پوستی در طبایع مختلف.....	۲۰۱
مقایسه سفید شدن زودرس موها در طبایع مختلف.....	۲۰۱
مقایسه وضعیت ریزش موها در طبایع مختلف.....	۲۰۱
مقایسه وضعیت تاری دید چشم در طبایع مختلف.....	۲۰۲
مقایسه بیش‌فعالی در طبایع مختلف.....	۲۰۲
مقایسه رشد قدی در افراد طبایع مختلف.....	۲۰۴
مقایسه وضعیت ابتلا به کیست تخمدان در طبایع مختلف.....	۲۰۶
مقایسه وضعیت ابتلا به فیبروم رحمی در طبایع مختلف.....	۲۱۳
طبایع و تغذیه.....	۲۱۵
طبایع و مشاغل.....	۲۱۹
طبایع و حیوانات.....	۲۲۲
زالدورمانی و طبایع.....	۲۲۳
برخی از مواد مؤثره موجود در نیش زالو.....	۲۲۴
مکانیسم‌های عمل زالو.....	۲۲۴
خواص درمانی زالوها.....	۲۲۵

مزایای زالودرمانی.....	۲۳۰
نحوه استفاده از زالو.....	۲۳۰
نکاتی از عواقب موضعی زالودرمانی.....	۲۳۲
زنبوردرمانی و طبایع.....	۲۳۴
خواص عسل.....	۲۳۴
طب سوزنی و طبایع.....	۲۳۶
گروه‌های خونی و طبایع.....	۲۳۸
۱- کم‌خونی‌های طبعی.....	۲۳۹
۲- ارتباط گروه‌های خونی با علم ژنتیک.....	۲۴۲
۳- ارتباط گروه‌های خونی با طبایع.....	۲۴۲
۴- ارتباط کم‌خونی‌های ارثی با طبایع.....	۲۴۳
بررسی آزمایشگاهی کم‌خونی‌ها.....	۲۴۶
ارتباط کم‌خونی با طبایع و فصول مختلف سال.....	۲۵۰
داروشناسی و طبایع.....	۲۵۳
انواع داروها.....	۲۵۴
ملاک‌های مهم انتخاب داروی گیاهی.....	۲۵۵
صفات داروها.....	۲۵۵
مراحل فیزیولوژیک ترمیم زخم.....	۲۶۵
به‌طور خلاصه.....	۲۶۷
خلاصه مبحث کتاب.....	۲۷۱
سؤالات کتاب.....	۲۷۵
پاسخنامه.....	۲۸۲
منابع و مأخذ.....	۲۸۳

باسمه تعالی

مقدمه

در اوایل دهه ۹۰ میلادی که به دهه ژنومیک مشهور شد استفاده از نانوفناوری مولکولی برای درمان طبی بیماران بر اساس خصوصیات بیوشیمیایی منحصر به هر بیمار مطرح و مورد توجه قرار گرفته و با مطرح شدن فارماکوژنومیکس و تکمیل توالی ژنوم انسان در سال ۲۰۰۰ علم پزشکی به دهه پس از ژنومیک (Post-genomic) وارد شد. در این دهه که در انتهای آن قرار داریم شاهد کشف و تولید دارو بر اساس ژنومیکس و پروتئومیکس و ورود به دوره جدید یعنی طب شخصی یا انفرادی (personalized medicine) هستیم. بر اساس مفهوم این طب با به کارگیری روش‌های مولکولی، انواع تغییرات رخ داده در ژنوم هر فرد قابل شناسایی بوده و بر اساس تغییرات رخ داده وضعیت بیماری موجود ارزیابی و درمان مناسب انتخاب خواهد شد. این روش تا حدود زیادی شباهت به شناخت طبع یا مزاج افراد و درمان مناسب بر اساس یافته‌ها و مشاهدات پزشک از وضعیت فیزیکی و حتی روانی بیمار و تجویز داروی مناسب طبع وی در طب سنتی ایران دارد.

طب سنتی ایران که از مکاتب پزشکی ایران باستان، اسکندریه، یونان و هند نشأت گرفته و زمانی در جندی شاپور علم روز پزشکی را به جهان ارائه می‌داد در قرن دوم هجری پایه گذار طب اسلامی گردید. شیوه بزرگان طب ایرانی از جمله رازی و ابن سینا در علم داروشناسی، شناخت گیاهان دارویی و مواد زیستی، در محدوده وسیعی از گیتی، یعنی از هندوستان تا اسپانیای آن روز، بررسی خواص مفردات و مرکبات و تعریف طبایع آنها بود. بنابراین، صفات گرم و خشک، گرم و تر، سرد و تر و سرد و خشک، همان گونه که برای اشیاء تعریف می‌شد برای انسان، گیاهان دارویی و مواد زیستی در نظر گرفته شد. بر اساس این نظریه، مصرف غذا و داروهای گیاهی سبب ایجاد یک خلط غالب، شامل بلغم، خون، صفرا و یا سودا در بدن شده که این خلط موجب بروز اثر درمانی، یا عوارض جانبی می‌گردد. زیبایی این نظریه در امکان پیش‌بینی اثر

داروها با شناخت گیاهان و مواد زیستی مشابه و اصلاح اثر یک یا چند دارو با داروهای مصلح است. مصلح که در مکتب پزشکی غرب معادلی ندارد، به دارویی گفته می‌شود که همراه با داروی دیگر تجویز می‌شود تا مضرات داروی اول را کم کرده و یا از بین ببرد و در نهایت آن را موافق و مناسب بدن و مزاج گرداند. در طب سنتی ایران مصرف مصلح حتی در تغذیه روزانه افراد توصیه شده و غذاها و میوه‌های مصرفی با مصلح خود شناخته می‌شدند. حتی مردم عادی از اثر سرکه، آلبیمو و آبغوره به عنوان مصلح غذاهای گرم و سیاهدانه و عسل به عنوان مصلح غذاهای سرد آگاه بودند.

شکی نیست که به کارگیری طب سنتی در زندگی روزمره و خو گرفتن با غذا و ادویه سنتی با فرهنگ مردم ایران عجین شده و به همین دلیل علاقه آنان به دانش و تجربه طب سنتی بیش از پیش افزایش یافته است.

مجموعه چند جلدی کتاب‌های «شناخت طبایع» که به همت آقای دکتر ابوالحییب آماده شده است، منبع خوب و قابل اعتمادی برای دانش‌پژوهان، دانشجویان پزشکی، پزشکان عمومی و حتی متخصصین داخلی می‌باشد تا با نظریات طب سنتی ایران در زمینه شناخت طبایع و نحوه برخورد با بیماران مبتلا به بیماری‌های داخلی آشنا شوند. امید است همت و تلاش این عزیزان به شناخت هرچه بیشتر طب سنتی ایران و پژوهش دقیق در زوایای پنهان این علم گسترده منجر شود.

دکتر علی اکبر ولایتی

رئیس گروه طب سنتی و طب اسلامی

فرهنگستان علوم پزشکی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه استاد

طب سنتی ایران دارای روش‌های تشخیصی متعددی است که هر کدام از آنها حوزه و گستره ویژه‌ای دارند و با تلفیق توانایی‌های این روش‌های تشخیصی می‌توان به بیماری پی برد و راه درمان آن را جستجو کرد.

مزاج‌شناسی و بول و براز و نبض‌شناسی از ابزارهای معروف تشخیصی در طب سنتی ایران هستند که هر کدام با روش ویژه به تشخیص می‌پردازند - اما اولویت این ابزارها و توان و گستره کاربرد آنها در شرایط گوناگون موجب می‌گردد تا این روش‌ها نیز به نوبه خود درجه بندی شده و از حیث اهمیت دارای رتبه گردند.

قبل از اینکه از این دیدگاه ابزارهای تشخیص مورد بحث قرار بگیرند تعریف مختصر از هر کدام را ارائه می‌کنیم.

الف- روش اول مزاج‌شناسی است: این روش سعی می‌کند با علائمی که از انسان در اختیار دارد آنها را دسته‌بندی کرده و به چند گروه بزرگ تقسیم کند و برای آنها ویژگی‌های نسبتاً همسو و موافقی را تعریف نماید و بر این اساس گرایش‌ات غذایی، تمایلات رفتاری، و علاقمندی‌ها و سلیقه‌های زندگی، ذوق‌ها و جاذبه‌ها و گرایش‌ات پنداری و توانایی‌های تنظیم ارتباط اجتماعی و مجموعه دل‌پسندی‌های زیستی و خانوادگی و عشقی آنان تعیین می‌گردد. در این صورت انسان‌ها به طور نسبی به همدیگر نزدیک می‌شوند و ناخود آگاه از خواسته‌ها و آرمان‌ها و سلیقه‌های همگنی برخوردار می‌شوند این بخش از استعدادها و توانایی‌های طبیعی انسان‌ها در تیپ‌های گوناگون را طبع یا مزاج سرشتی یا مزاج جبلی می‌نامند.

طب تلاش می‌کند هر گروه از انسان‌ها را در طبع و مزاج سرشتی آنان معتدل نگاه دارد - حفظ اعتدال هر مزاج یا طبع از دیدگاه طب سنتی بهداشت نامیده می‌شود. و هرگاه یک یا چند عضو از اندام‌های بدن انسان از حال اعتدال طبیعی خود خارج گردید، در آن صورت بیماری پدید می‌آید - در این شرایط طبیب باید با دخالت در طبیعت تن در عضو مربوطه اعتدال لازمه را پدید

بیآورد. بنابراین ایجاد اعتدال در مزاج یعنی درمان، همچنانکه حفظ اعتدال مزاج یعنی بهداشت. مربی ممکن است در این شرایط در وضعیت آن دخالت نموده و با آموزش رفتارهای ویژه، تکرار عاداتی در تن انسان ایجاد نماید که بر اساس آن تربیت، ناخودآگاه انسان رفتاری از خود بروز دهد که قبلاً از ویژگی‌های طبیعی تن او قابل انتظار نبود. این گونه دخالت‌های آگاهانه در تن را مزاج تربیتی می‌نامیم. مثلاً یک نفر صفرآوی مزاج هرگاه از حالت اعتدال خارج شد دچار عصبانیت آتی می‌شود در این حال طبیب توصیه می‌کند تا برای جلوگیری از بروز این حالت به خوراک و نوشیدنی‌های صفرآزا بپردازد. لیکن مربی تربیتی توصیه می‌کند خود را کنترل کن تا جلوی عصبانیت را بگیری. اگر کسی توانست با تکرار کنترل خویشتن، بر اعصاب خود مسلط شود و مانع از بروز عصبیت خویش گردد این حالت را طبع تربیتی می‌نامیم ولی با این وجود از نظر طبیعی و طبی ارزشی ندارد.

از نظر طبیب زمانی فرد معتدل خواهد بود که عصبانی نشود نه اینکه خود را کنترل کند. البته قابل توجه است که تربیت تا حدی توان تعدیل رفتارها را دارد و برای تعدیل کامل و فراگیر، تعدیل طبیعت فرد از طریق تعدیل مزاج دارای اولویت است.

ب- روش دوم تشخیص از طریق بول و براز است، شناخت بیماری از طریق رنگ، بو و مزه ادرار و مدفوع. هم‌اکنون طب کلاسیک با تکیه بر دستگاه‌های پیشرفته آزمایشگاهی‌اش سعی می‌کند از طریق ادرار و مدفوع به تشخیص بیماری دست پیدا کند. لکن کارشناسان علوم آزمایشگاهی که با طب سنتی نیز آشنایی دارند اظهار می‌دارند اطلاعاتی که طب سنتی برای تشخیص بیماری از طریق بول و براز می‌دهد کاملتر از اطلاعاتی است که ما از طریق آزمایشگاه به دست می‌آوریم.

ج- روش سوم نبض‌شناسی است که در طب سنتی برای تشخیص بیماری‌ها به کار گرفته می‌شود. طبیب لازم است حال واقعی بیمار را درک کند. در شرایطی که بیمار طفل است یا صحبت نمی‌کند یا در حال خواب است یا در حال کما به سر می‌برد و یا زبان بیمار را نمی‌فهمیم می‌توانیم از طریق نبض واقعیت حال عمومی بیمار را درک کنیم. برای تشخیص نبض لازم است با دقت فراوانی حالات گوناگون ضربان رگ را در مج دست و یا در سایر اندام‌ها درک کنیم مجموعه حالاتی که در طب سنتی برای ضربان نبض توصیف می‌شود به سی و شش حالت بالغ می‌گردد. برخی از منابع صد و چهار حالت را نیز بیان کرده‌اند. به‌خاطر سپردن این حالات و درک افتراق آنها کار بسیار دقیق و مشکلی است و نیازمند تکرار و ممارست فراوان است و برای کاربرد به نظر اینجانب هرگاه ۹ حالت نبض به‌طور کامل درک شود نیز می‌توان فرد را نباض

لایق و کارشناس نبض شناس نامید.

علی‌ایحال با مقایسه روش‌های تشخیصی سه‌گانه مذکور به این جمع‌بندی می‌رسیم که روش مزاج‌شناسی نسبت به سایر روش‌ها برتری ویژه‌ای دارد و کارایی بیشتری را در درمان از خود بروز می‌دهد از سوی دیگر مزاج‌شناسی برای تمامی موقعیت‌های جغرافیایی، زمان‌ها، رنگ‌ها، رفتارها، پندارها، ظروف، اشیاء، ابزارهای مورد استفاده در زندگی، غذاها، صداها و صوت‌ها، آواها، محیط‌های زیست، لباس‌ها و پوشش‌ها تعریف مزاجی دارد - از این رو برای یک زندگی آرام و با تعادل لازم است با معیارهایی که مزاج‌شناسی می‌دهد انسان خود را در مناسب‌ترین شرایط قرار دهد و هرگاه موقعیت و ابزار زیست انسان با مزاج وی سازگار بود سلامتی کاملتر برقرار خواهد شد و هرگاه هر کدام از ابزارهای زیست دچار کاستی و یا افزایش یا ناسازگاری شدند موجب بروز بی تعادلی و ایجاد بیماری می‌گردد.

از سوی دیگر مزاج‌شناسی علمی است که با دست یافتن کامل آن طبیب می‌تواند با دقت به تشخیص بیماری دست پیدا کند و هر چقدر اطلاع و تبحر طبیب در مزاج‌شناسی بیشتر بود در تشخیص و درمان بیمار موفق‌تر خواهد بود. و اگر چنانچه اطلاعات کمی از مزاج‌شناسی داشته باشیم نیز می‌توانیم کارآیی نسبی از آن بگیریم. یعنی با حداقل اطلاعات از مزاج‌شناسی نیز می‌توان برای حفظ سلامت بهره برد. از این رو مزاج‌شناسی علمی ضروری برای تمامی اقشار جامعه در همه شرایط است ولی طبیبان لازم است در این زمینه از اطلاعات ویژه تخصصی تری بهره‌مند باشند.

اگر بخواهیم پیرامون مزاج‌شناسی اطلاعات جامعی پیدا کنیم لازم است که یک بررسی کامل از تمامی منابع طب سنتی انجام دهیم و تحقیقی وسیع و دامنه‌دار را پیگیری نماییم تا بتوانیم مفاهیم دقیق مزاج‌شناسی را به جامعه منتقل نماییم - از سویی دیگر لازم است این مفاهیم با زبان علمی نیز در جامعه مطرح گردد - معادل‌سازی مفاهیم مزاج‌شناسی خواهد توانست بُرد وسیع‌تری به این علم بدهد و حوزه کاربرد آن را در طب کلاسیک نیز بگستراند.

مجموعه کتاب‌های تألیف شده توسط جناب آقای دکتر سیدعلی ابوالحجیب ضمن اینکه حاوی اطلاعات قابل توجهی پیرامون مزاج‌شناسی است - یک سلسله نوآوری‌هایی نیز در بخش معادل‌سازی مزاج‌شناسی ارائه نموده است. از جمله این نوآوری‌ها تطبیق گروه‌های مزاجی یا تیپ‌شناسی طبایع با گروه‌های خونی است ما در بدو امر انتظار نداریم که طرح‌های تطبیقی طب سنتی ایران با طب کلاسیک انطباقی کامل داشته باشد - چه بسا لازم است اینگونه نوآوری‌ها در قالب یک طرح پژوهشی کامل یا جمعیتی بزرگ‌تر انجام شود تا نتایج آن موجب پدیده‌ای علمی

و محکم در زمینه پزشکی باشد - ولی به هر حال از این جهت که نوشته‌های پیرامون طب سنتی ایران روندی تحلیل گرانه پیدا کرده و زمینه‌ای برای بروز نظرات جدید در پزشکی گردیده است جای بسی خوشوقتی است.

جناب دکتر ابوالحبيب علاوه بر آن در این سری از کتاب‌های شناخت طبایع به بررسی نظریه نزلها پرداخته و نقش نزلها را نیز در بروز بیماری‌های گوناگون به‌خوبی توضیح داده است که لازم است مورد بررسی و عنایت بیشتری قرار بگیرد. مطالعات اینجانب همراه با درمانگری عملی در حوزه طب سنتی و اسلامی مرا به چنین اعتقادی رسانده است که اگر چنانچه تئوری‌های طب سنتی و اسلامی با کمک برخی از ابزارهای علمی روز و اطلاعات طب کلاسیک و برخی دیگر از علوم پایه در آمیخته شود و با حفظ معیارهای طب سنتی و اسلامی و متدی علمی و محکم بنا می‌گذاشته شود. و نیز می‌توان به یک رشته علمی کامل و جذیدی در بخش طب و درمان دست پیدا کرد که به نوبه خود بتواند تمامی نیازهای بشر را تأمین کند و با شتاب بیشتری به درمان بیماری‌ها پرداخته و از بروز بخش عظیمی از عوارض آنها جلوگیری نماید. و این نیازی است که در مدت صد ساله اخیر، محروم بودن از نعمت طب اسلامی در جامعه و احساس نیاز به آن در جای جای جامعه جهانی نمایان گردیده و تمامی کارشناسان دلسوز علم طب در کشورهای گوناگون جهان به دنبال روش‌های عملی برای تأمین آن هستند.

به امید فراگیر ساختن طب اسلامی و سنتی در سراسر جهان

رئیس موسسه تحقیقات حجامت ایران

استاد حسین خیراندیش

۸۸/۱۰/۱۲

مقدمه مؤلف

هدف از نگارش و چاپ مجموعه کتاب‌های شناخت طبایع، شناساندن علم فطری طبایع می‌باشد، همان علمی که پیامبر عظیم‌الشان (ص) آن را نصف ایمان خوانده است. در این کتاب سعی شده است که حتی الامکان مسیر یا راه‌هایی را برای تشخیص طبع به شیوه‌ای کاملاً نوین و متمایز از کتبی که تاکنون به چاپ رسیده است ارائه گردد بدین منظور مجبور بودم که علم طب جدید و علم طب قدیم را به زبانی ساده و عامیانه با یکدیگر تلفیق نموده و از حاصل آن هموطنان عزیز و خوانندگان گرامی را بهره‌مند سازم لذا ساعتها و ماه‌ها از وقت خود را در کلاس‌های درسی رزیدنتی و دوره کردن مجدد دروسی که در حدود ۲۳ سال پیش آن را خوانده بودم از طرفی و همچنین مطالعه انواع کتاب‌های قدیم و ریفرنس طب سنتی از طرف دیگر گذراندم و عشق و علاقه وافر به این رشته طبّی آنچنان سرگرم کرده بود که از شب تا به صبح و دوباره از صبح تا به شب بیداری کشیده و مطالب بدرد بخور را از لابلای کتاب‌های طبّی نوین و کتاب‌های طب سنتی بیرون کشیده و با یکدیگر مقایسه و تلفیق نمایم، از طرفی کار بالینی زیادی که برای فهم مطالب استخراج شده بایستی صورت می‌گرفت تا آموخته‌ها محک خورده و مطالب پخته تر گردیده و تحویل ارباب فضل داده شوند. در این میان خدا می‌داند و بس که چه‌ها کشیدم و چقدر به خود فشار آوردم تا سوالات مجهول را به اذن خدا معلوم دارم و ضمن اغنای علمی خویش دانسته‌ها را به رشته تحریر در آورم. گاه برای هر خط این معلومات بیش از ۲۰-۳۰ بیمار را ویزیت نموده تا بتوانم از نوشته‌هایم در آینده به‌خوبی دفاع نمایم.

مزیت بزرگ این کتاب آن است که بیش از ۷۰٪ آن را خود به چشم تجربه کرده و سعی کرده‌ام آنچه را که می‌نویسم در بیرون از کتاب واقعیت عینی و عملی داشته باشد و به همین دلیل هم بود که ظرف مدت کوتاهی سیل تلفن‌ها و ابراز علاقه‌ها از داخل و خارج از کشور به علت چاپ کتاب‌های قبلی به سمت اینجانب شروع شد و با این تشویق‌ها فهمیدم که راه را

درست رفته‌ام و بایستی همچنان ادامه دهم اگرچه از اول تا آخر لطف خدا شامل حالم شده و به دل خوانندگان نوشته‌هایم می‌انداخت که آنان نیز چون خداوند بزرگ، بنده را مورد محبت و عنایت و تشویق‌های بی‌دریغ خود قرار دهند هرچند که من لایق این تعاریف و تمجیدها نبودم ولی به لطف خداوند بزرگ روز به روز بر تعداد مشوقینم افزوده‌تر شد تا جایی که ناخواسته مرا به سمت تکامل علمی و تعالی هرچه بیشتر سوق داد. همچنین به علت کثرت مطالب قرار بود که تالیف این سری از کتاب‌ها را در سه جلد به پایان برسانم ولی به نظر می‌رسد که تا جلدهای چهارم و احتمالاً پنجم هم ادامه یابد و از طرفی عده‌ای از دوستان جدید که در حد بضاعت خویش کار ترجمه تالیفاتم را به زبان‌های مختلف و زنده دنیا شروع کرده و در راه اشاعه آن تشویقم نمودند، که جا دارد از آنان نیز به نوبه خویش سپاسگذاری نمایم. مطلب دیگری که بعد از خدا و بعد از تشویق‌های خوانندگان عزیز کتاب، در روند تکاملی اطلاعاتم مرا بیشتر به جلو می‌راند تشویق‌های بی‌دریغ و خالصانه شاگردانم بود که شاید بیش از ده سال زحمت تعلیم و تربیت آنان را کشیده بودم، به عبارت دیگر نفس حق آنان تشویق‌ها و دعا‌های از نزدیک آنان دریچه‌ها و روزنه‌های علم را به رویم بازترکرد و اینک جا دارد که بنده نیز خود را مدیون دعا، تشویق و نفس آنان دانسته و در همین جا از فرد فرد آنان تشکر و قدردانی نمایم.

نکته دیگری را که بایستی اشاره کنم تشویق و تائید بی‌چون و چرای استاد گرامیم جناب عظیم‌الشان، حکیم توانا، نابغه قرن، دانشمند پرصلابت، استاد عالیقدر، حاج حسین خیراندیش که الحق مثل گوهری است که در بیابانی دور بر زمین کویری افتاده و هر کسی تالو ارزشمند آن را به راحتی نمی‌بیند، او مردی است فاضل و احیاگر طب سنتی و اسلامی که عقاید و سلائق او در شهر و کشور و حتی قاره اطراف ما نمی‌گنجد. او متعلق به یک عصر است و نسل و بلکه بیشتر از آن، که متاسفانه آنچنان که باید و شاید قدر و منزلتش حتی در میان شاگردان خویش نیز نامعلوم است و بر خود فرض دیدم که علاوه بر تشکرات عذیده شفاهی، به‌طور رسمی نیز در سر مقدمه و سرمقاله همه نوشته‌هایم بقدر بضاعت خویش همچون استادی بزرگ از او یاد کنم و به روان اجدادش درود و سلام فرستم تا گوشه‌ای از دین خویش را به ساحت مقدسش ادا نموده باشم و از خداوند بزرگ مسئلت دارم تا همچنان بانی بقاء طول عمر این استاد دلسوز تا سالهای مدید و مقدر بوده باشد و ما نیز تا آخرین نفس و به سهم خویش از درس‌های پرمغز او بهره لازم را تا سر حد امکان همچون گذشته ببریم. انشاء الله.

در همین راستا از تشویق‌های استاد دیگرم جناب دکتر ولایتی، دلسوز واقعی رشته طب که بدون هیچ چشمداشتی بر کتاب حاضر مقدمه نوشته و راهنمایی‌های لازم را نموده‌اند قدردانی و

تشکر مضاعف می‌نمایم و امیدوارم که سایه ایشان نیز بر سر ما مستدام و همچنان با اعمال و افعال خویش مشوقی دلسوز برای ما نویسندگان نوپا بوده باشد.

همچنین از کمک‌ها و ارشادات همکار عزیزم جناب دکتر فرهید که الحق ایشان نیز در نوشتن این مجموعه کمک‌های فکری بسیاری کرده و همواره اینجانب را مورد تفقد خویش قرار داده است سپاسگذاری می‌نمایم و امیدوارم که تمامی دست اندرکاران این نوشتارهای سستی در هر کجا که هستند خدا نگهدارشان باشد برای همیشه.

در خاتمه یکبار دیگر از زحمات سرکار خانم غفوریان در تهیه و تایپ این مجموعه و همچنین همسر و فرزندم به علت تحمل زحمات فراوان و نیز حضرت صاحب‌الامر (عج) که همواره یار و یاور اینجانب در تهیه این مجموعه بوده است صمیمانه قدردانی می‌نمایم و ثواب این کتاب را به ارواح مرحوم پدر و مادرم تقدیم می‌نمایم و از خوانندگان عزیز استدعا دارم که در صورت امکان فاتحه‌ای را برای آنان قرائت نمایند و در خاتمه از منتقدین محترم تقاضا می‌کنم که همچون گذشته از انتقادات و نظریات خویش بنده را بی‌بهره نگذاشته و آنچه را که آنان به بنده گوشزد می‌نمایند به دیده منت می‌پذیرم و در صورت لزوم در چاپ‌های بعدی این کتاب ویرایش مجدد خواهیم نمود.

دکتر سید علی ابوالحییب

متخصص طب سنتی و اسلامی از دانشگاه ارمستان

پاییز ۱۳۸۸